Supreme National Defense University Quarterly Journal of Strategic Management Research in National Defense

https://issk.sndu.ac.ir E-ISSN: 2980-8219

Vol. 10, No. 2, Issue. 38, Summer 2026 **Received:** 2025/10/06 **Accepted:** 2026/02/19

Research paper

Evaluation of Modern Methods of Proving Criminal Offenses in Iranian Criminal Law with Emphasis on Judicial Practice

Seyed Mosayeb Barounizadeh
PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.
Rahim Ekrami
Assistant Professor, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran (Corresponding Author).
Email: rahimekrami@yahoo.com
Ali Jamadi
Assistant Professor, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.
Ali Janipour
Assistant Professor, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

Abstract

Evidence used to establish legal claims, and a fortiori evidence used to prove criminal offenses in criminal proceedings, constitutes one of the most important issues in criminal procedure and a cornerstone of a fair trial. The protection of social rights, public interests, and public order, alongside the safeguarding of the rights of the accused and the proper administration of justice, can be more effectively ensured through the use of reliable evidence, appropriate and lawful documentation, and the application of the latest scientific advances in criminal investigation and proof. The findings of the present study indicate that, as legal science has evolved in a manner similar to other fields of knowledge, the contemporary period has increasingly been characterized by the use of "scientific evidence," referring to the application of scientific and technological achievements, such as DNA testing, in criminal investigation and adjudication. Such evidence therefore requires examination from the perspectives of criminal law and Islamic criminal jurisprudence in order to determine the permissibility of its use and the extent of its evidentiary validity. The results of the study show that, in offenses involving the rights of God (haqq Allah), the legally prescribed forms of evidence possess a substantive evidentiary status and, consequently, such offenses cannot ordinarily be established solely through scientific methods or scientific evidence. Scientific methods may nevertheless be used in favor of an accused person where they create reasonable doubt and thereby support acquittal. By contrast, in matters involving the rights of individuals (haqq al-nas), given the importance attributed to such rights in Islamic law, scientific methods may be employed because evidentiary rules in these cases primarily serve an instrumental function in establishing the truth. Accordingly, judges may utilize all available lawful means, including scientific methods of proof, to protect individual rights. Such an approach can also contribute to safeguarding social rights and strengthening the conditions necessary for public security.

Keywords: Modern Evidence; Evidence of Proof; Judicial Knowledge; Criminal Proceedings

فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی
سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۴۰۵، صص. ۳۹۱-۴۲۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰

مقاله پژوهشی

ارزیابی ادله نوین اثبات جرم در حقوق کیفری ایران با تأکید بر رویه قضایی

سید مصیب بارونی‌زاده
دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران
رحیم اکرامی
استادیار گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)
Email: rahimekrami@yahoo.com
علی جمادی
استادیار گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران
علی جانی‌پور
استادیار گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

چکیده

ادله اثبات دعوا و به‌طریق اولی ادله اثبات جرم در دعاوی کیفری یکی از مهم‌ترین مباحث مورد بحث در آیین دادرسی کیفری و سنگ بنای دادرسی عادلانه است؛ چراکه حفظ حقوق اجتماعی و مصالحه عامه و نظم عمومی و به‌موازات آن توجه به حقوق متهم و اجرای دادرسی عادلانه از طریق به‌کارگیری ادله متقن و مستندات متناسب و قانونی و توجه به آخرین دستاوردهای علمی در زمینهٔ اثبات جرائم بهتر تأمین می‌شود. یافته‌های حاصل از پژوهش، نشان داد که با توجه به تغییر و تحول در علم حقوق، همانند سایر علوم، دوره اخیر با عنوان «ادله علمی» تعبیر می‌شود و منظور از آن، به‌کارگیری دستاوردهای علوم و فناوری، همچون آزمایش DNA در فرایند جرم‌یابی و رسیدگی کیفری است؛ ازاین‌رو لازم است در مورد آن‌ها از منظر حقوق کیفری و فقه جزایی بحث و بررسی صورت گیرد تا جواز به‌کارگیری و اعتبار یا عدم اعتبار آن‌ها روشن شود. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که ادله در جرائم حق‌الله «موضوعیت» دارد؛ درنتیجه آن‌ها را نمی‌توان با استفاده از شیوه‌ها و ادله علمی ثابت کرد؛ ولی می‌توان متهمان به این نوع جرائم را با استفاده از راه‌های علمی و با ایجاد شبهه تبرئه کرد؛ اما در احقاق حقوق الناس به‌دلیل اهمیت آن از نظر شارع مقدس، می‌توان از شیوه‌های علمی استفاده کرد؛ به‌دلیل آنکه ادله در این‌گونه امور «طریقیت» دارد و قاضی می‌تواند در راستای احقاق حقوق الناس از تمام ظرفیت‌ها و ازجمله از راه‌های علمی اثبات جرم استفاده کند، بدین شیوه، بسترهای حقوق اجتماعی که متضمن امنیت جامعه است فراهم می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ادله نوین، ادله اثبات، علم قاضی، دادرسی کیفری

صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.

مقدمه

به‌مرور زمان و با تحولات صورت‌گرفته شده شیوه ارتکاب رفتارهای مجرمانه، هم مدرن‌تر و پیشرفته‌تر شده است؛ متعاقب آن نیاز است که ادله اثبات جرم مدرن‌تر و جدیدتر شوند؛ به‌عبارتی دادرسان محاکم علاوه بر این‌که نیاز به ادله سنتی اثبات جرم دارند نیازمند ادله نوین اثبات جرم هستند. در قانون آیین دادرسی کیفری سابق (۱۳۷۸) و قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰)، مبحث خاصی به ادله اثبات دعوا اختصاص داده نشده بود، دلیل آن را می توان، طریقت داشتن ادله اثبات در امور کیفری دانست؛ برهمین‌اساس قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مبحثی را به ادله اثبات اختصاص داده است؛ ادله خاص دعاوی کیفری عبارت است از قسامه و لعان اما نکته‌ای که در اینجا قابل طرح است، آن است که به غیر از ادله خاص مثل شهادت، اقرار و قسامه که مبنای شرعی رأی قاضی هستند، آیا ادله نوین اثبات جرم مثل DNA، دستگاه‌های تشخیص چهره، دستگاه‌های دروغ‌سنج و ... که مقررات خاصی در دادرسی کیفری ندارند، تابع کدام قوانین و مقررات است؟ تابع مقررات عام آیین دادرسی است یا این‌که دادگاه در اداره و اعمال آن‌ها اختیار کامل دارد؟ جهت پاسخ به این پرسش‌ها باید ضمن تعریف ادله اثبات نوین جرم باید بین اصول و قواعد مربوط به ادله و تشریفات آن قائل به تفکیک شد. ادله اثبات نوین مجموعه ادله‌ای هستند که از نتیجه آزمایش‌های مربوط حاصل می‌شوند و وقوع جرم را محرز و توجه آن را به شخص خاص را اثبات می‌کنند؛ به عبارت دیگر این‌گونه ادله نظریات علمی به اثبات رسیده به کمک آزمایش‌ها و تجربه‌های مکرر هستند، برخلاف دلایل نظری یا قضایی که منشأ آن‌ها انسان است. براساس این تعریف، این روش‌ها از لحاظ تجربی به اثبات رسیده‌اند و مراحل خطا و تردید را پشت سر گذاشته‌اند؛ بنابراین روش‌هایی مانند: «بازجویی به‌وسیله دستگاه دروغ سنج، نظام‌های تشخیص چهره، علم انگشت‌نگاری، ادله الکترونیکی، ادله زیست‌فناوری، رایانامه (ایمیل)، ضبط صدا و تصویر و ...»، هرچند که هنوز از اطمینان لازم برخوردار نشده‌اند، اما می‌توانند به‌عنوان ادله نوین اثبات جرم استفاده شوند. آنچه به‌عنوان نحوه رسیدگی و ادله مورد بحث قرار می‌گیرد، منصرف از احکام ماهوی ادله است و تشریفات رسیدگی نیز عمدتاً در مبحث تحقیقات

مقدماتی آمده؛ چراکه فرض بر آن است ادله در تحقیقات مقدماتی جمع‌آوری شده و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و اگر به رسیدگی‌های تکمیلی ادله نیاز باشد، براساس همان مقررات تحقیقات مقدماتی انجام می‌شود؛ اما هدف آیین دادرسی کیفری کشف حقیقت است. دادگاه تکلیف و مقید به ادله مذکور در کیفرخواست ادله ارائه شده از سوی طرفین دعوا نیست، بلکه باید هرگونه تحقیقاتی که جهت کشف حقیقت ضروری است، صورت گیرد.

در ماده ۳۶۲ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ آمده است: «دادگاه علاوه بر رسیدگی به ادله مندرج در کیفرخواست یا ادله مورد استناد طرفین، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم است را با قید جهت ضرورت آن انجام می‌دهد.» ادله‌ای که در دادگاه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، عناوین خاصی همچون اقرار، شهادت، سوگند، علم قاضی، اماره قانونی و اماره قضایی دارد؛ اما علم قاضی و اماره قضایی، مصداق معینی ندارد، بلکه هر قرینه و دلیلی که سبب حصول اطمینان قاضی شود قابلیت استناد هستند؛ که در ماده ۳۱۸ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲، این ادله بیان شده است. تضمین‌های ارائه شده در قوانین کیفری در راستای حمایت از شهروندان و به‌منظور جلوگیری و پیشگیری از نقض حقوق مردم پیش‌بینی شده‌اند؛ اما در میان انواع روش‌های به‌کار گرفته شده در فرایند دادرسی کیفری اختلاف‌هایی به چشم می‌خورد. علم قاضی به‌عنوان یک دلیل برای صدور حکم است و سپس جایگاه ادله نوین نزد قاضی و حصول علم برای وی مورد تحلیل قرار گیرد. علم قاضی مقوله مهمی در قضای اسلامی است که بدون آن گره بسیاری از پرونده‌های قضایی رفع نمی‌شود. فقها در علم قاضی بین امور کیفری و مدنی تفصیل قائل نشده‌اند. اکثر فقهای امامیه علم قاضی را به نحو مطلق حجت دانسته‌اند، ولی در مقابل فقهای اهل سنت استناد قاضی به علم خود را مخالف سیره پیامبر و موجب تهمت او می‌دانند. حقوقدانان معتقدند: قاضی فقط می‌تواند، برای ارزیابی دلایل و استنتاج از آنچه به دادگاه ارائه شده از دانش خود استفاده کند، اما نمی‌تواند، برای اثبات دعوی یا انکار آن به علم خود استناد کند. در حقوق موضوعه ایران علم قاضی در امور کیفری هم به‌عنوان پشتوانه و اعتبار سایر ادله و هم به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوای کیفری پذیرفته شده است. با این اوصاف می‌توان گفت که در امور کیفری طرق مختلفی مبنی بر کسب علم و آگاهی برای قاضی نسبت

به موضوع مطرح شده در دادگاه وجود دارد و علم قاضی صرفاً متوقف بر دلایل سنتی فقه اسلامی نظیر شهادت و اقرار نیست و ممکن است که قاضی براساس یک دلیل و آماره‌ای دیگر اقناع وجدانی بیابد و به همین مناسبت می‌توان گفت که با استناد به دلایل نوین و حصول علم برای قاضی، صدور حکم بر این مبنا فاقد اشکال به نظر می‌رسد.

براساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات زمانی می‌توان شخص را مورد مجازات قرار داد که از قبل برای آن رفتار یا آن عمل مجازاتی در نظر گرفته شده باشد؛ اما هدف متعالی مجازات زمانی آشکار می‌شود که جرائم ارتکابی اثبات شوند اما اثبات هر جرمی در مراجع قضایی در گِرو تمسّک به‌دلیل است، ازاین‌رو هرگاه شکایت یا دعوایی ادعا شود اما به اثبات نرسد به‌منزله حقی است که وجود ندارد، به همین خاطر صدور هر حکم یا قرار برای متهم احتیاج به دلایل قانع‌کننده‌ای مبنی بر مجرمیت وی دارد. در دعاوی که جنبه کیفری دارند بار اثبات و گردآوری دلیل حسب مورد بر عهده شاکی یا دادستان است؛ چراکه اشخاص براساس اصل برائت و اصل تفسیر مضیق جزایی؛ مستند به اصل ۳۷ ق.ا و ماده ۴ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ تکلیفی به اثبات بی‌گناهی خود ندارد. در حقیقت قاضی یا دادرس در امور کیفری نقش فعالی دارد و می‌بایست با رعایت اصل بی‌طرفی صرفاً به دلایل استنادی از سوی اصحاب دعوای کیفری اکتفا نکند. با توجه به این‌که ادله اثبات دعوا در امور کیفری از اهمیت زیادی برخوردار است؛ بنابراین، شناخت قلمرو ادله اثبات دعوا در امور کیفری و مباحث مرتبط با آن جز با بررسی و مطالعه نظرات دکترین حقوقی و نظریات فقهی جهت شناسایی معیارهای قانونی و کارآمد در این خصوصی و حصول به عدالت قضایی میسر نیست. در تکمیل توضیحات فوق باید گفت که یکی از مسائل و موضوعات بسیار مهم در دادرسی‌های کیفری چگونگی اثبات دعاوی است و علم قاضی در این مسئله نقش مهمی را ایفا می‌کند. احصا ادله اثبات دعوا در قانون و الزام قاضی به تبعیت از آن در صدور رأی، اگرچه متضمن حفظ حقوق و آزادی‌های اشخاص است، اما در بسیاری از جرائم، قاضی با توسل به ادله احصایی، موفق به کشف حقیقت نمی‌شود. همین‌طور با پیچیده شدن روابط اشخاص و پیشرفت علم، موضوع ناکارآمدی ادله احصایی مشخص می‌شود. چراکه ماهیت برخی از رفتارهای مجرمانه

مقتضی آن است که قاضی یا دادرس در تشخیص موضوع متوسل به دلایلی شود که در شمار ادله احصا شده در قوانین نیست که امروزه می‌توان این قبیل ادله را ادله نوین اثبات جرم نام‌گذاری کرد. در این خصوص بررسی ادله نوین که در شمار ادله احصا شده نیست جهت روشن شدن حقیقت موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است. میزان کاربرد و تأثیر ادله نوین در صدور حکم، به خاطر عدم احاطه قاضی بر سایر علوم و زمینه‌های تخصصی، امروز بر اهمیت موضوع افزوده است و رافع جهل و ناآگاهی دادرس در این زمینه‌ها است. بدین‌سان آیین دادرسی کیفری با حقوق کیفری پیوندی تنگاتنگ دارد. در این میان نقش ادله اثبات دعوی و استناد به آن به‌عنوان دلیل در دادگاه از اهمیت اساسی برخوردار است. مغنیه در کتاب «ادله اثبات دعوی» به بررسی ادله اثبات در فقه اسلامی می‌پردازد، اما در منابع موجود از این کتاب، اشاره مستقیمی به ادله نوین (مانند فناوری‌های دیجیتال، آزمایش‌های DNA، یا هوش مصنوعی) نشده است. بااین‌حال، می‌توان با استناد به اصول کلی مطرح‌شده توسط او و تطبیق آن با مباحث روز، دیدگاه احتمالی وی را تحلیل کرد (مغنیه، ۱۳۸۶).

۱. پیشینهٔ پژوهش

دیانی و ادیانی (۱۴۰۰) در کتاب «ادله اثبات دعوا در امور کیفری و مدنی» به بررسی تطبیقی ادله اثبات دعوا در حوزه‌های مختلف حقوقی پرداخته‌اند. نویسندگان با تأکید بر گستره مفهوم ادله اثبات دعوا، معتقدند این موضوع نه‌تنها دعاوی مدنی، بلکه دعاوی کیفری، تجاری و بین‌المللی را نیز در برمی‌گیرد؛ هرچند تمرکز اصلی اثر بر ابعاد مدنی و سپس کیفری است. آنان مباحث مربوط به ادله اثبات دعوا را در سه بخش اصلی سازمان‌دهی کرده‌اند: نخست، ادله به معنای اخص شامل اقرار، شهادت، اسناد، سوگند و علم قاضی؛ دوم، امارات قانونی و قضایی ازجمله نظریه کارشناسی، تحقیق محلی و معاینه محل و سوم، اصول عملیه. این اثر با تبیین مبانی و اصول کلی حاکم بر ادله اثبات، چهارچوبی نظری برای تحلیل جایگاه و کارکرد ادله در نظام دادرسی ارائه می‌کند.

حاجی ده آبادی (۱۳۹۹)، در کتابی با عنوان: «ادله اثبات کیفری در اسلام: مبانی و موارد

تفکیک از ادله اثبات مدنی اثر احمد حاجی‌ده‌آبادی» به بحث و بررسی این موضوع پرداخته‌اند و درخصوص ادله اثبات کیفری در اسلام؛ کتاب فوق‌الذکر دربرگیرنده مباحث متعددی همچون مباحث خُرد و جزئی بوده، ولی بی‌شک یکی از مهم‌ترین مباحث کلان این حوزه این است که موضع‌گیری حقوق اسلامی در قبال تفکیک میان امور مدنی و کیفری چیست و آیا می‌توان این تفکیک را پذیرفت؟ یکی از آثار مترتب بر این تفکیک را این‌گونه می‌توان مطرح کرد که نظام حاکم بر ادله اثبات جرم در نظام حقوقی چیست؟ نظام ادله قانونی، نظام ادله معنوی یا نظام مختلط؟ براین‌اساس کتاب ادله اثبات کیفری در چند فصل سامان یافته است: یکی نظام حاکم بر ادله اثبات جرم و موضع نظام حقوق کیفری اسلام و ایران و ارزیابی تفصیلی ادله اثبات دعوی کیفری و مدنی.

براهویی و عارفیان (۱۳۹۹)، در پژوهشی، با عنوان: «تقابل علم قاضی با سایر ادله اثبات دعوی در امور کیفری» به بحث و بررسی این موضوع پرداخته‌اند و نظر خود را درخصوص تحصیل دلیل در امور کیفری ازجمله علم قاضی با سایر ادله را با چالش‌هایی مواجه می‌سازد. ایشان در توجیه چالش‌های خود این‌طور نظر دارند که علم قاضی به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوا در امور کیفری و مدنی به‌خصوص در مواردی که آن موضوع قابل اثبات توسط دیگر ادله اثبات دعوا نیست، راهگشای قاضی است.

بنی نعمه، عیسی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان: «ادله نوین اثبات دعوی در امور کیفری» به بحث و بررسی این موضوع پرداخته‌اند و محورهای مقاله درخصوص آیین دادرسی کیفری و ادله اثبات نوین جرم است در همین خصوص بیان می‌دارند که آیین دادرسی کیفری با حقوق کیفری پیوندی تنگاتنگ دارد. شاخه‌ای از علم حقوق که به‌مانند شمشیر دو لبه هم می‌تواند تضمین‌کننده آزادی مردم و هم خدشه‌دار کننده حقوق آنان باشد. در این میان نقش ادله اثبات دعوی و استناد به آن به‌عنوان دلیل در دادگاه از اهمیت اساسی برخوردار است.

جوانمرد (۱۳۹۶)، در کتابی با عنوان: «ادله اثبات دعوا و اجرای احکام کیفری»؛ محقق نظر خود را درخصوص ادله اثبات دعوای و اجرای حکم کیفری این‌طور بیان می‌دارند که اثبات وقوع عمل مجرمانه و انتساب آن به متهم، نیازمند ارائه ادله متقن و کافی است که در

طول فرایند دادرسی کیفری توسط مرجع تحقیق و رسیدگی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. در این میان مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در جمع‌آوری ادله مورد نیاز جهت تعیین سرنوشت متهم بسیار حائز اهمیت است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. مفهوم «ادله علمی»[1] (نوین)

به مناسب موضوع این پژوهش از میان نظام‌های ادله کیفری، نظام ادله علمی به اختصار توضیح داده می‌شود: در این نظام قاضی از طریق توسل به شیوه‌های نوین علمی در زمینه‌های مختلف نظیر DNA می‌تواند، به کشف حقیقت نائل آید. البته در حقوق ایران می‌توان گفت که ادله علمی زیرمجموعه علم قاضی قرار می‌گیرد یعنی قاضی می‌تواند از طریق آن‌ها به اطمینان و سکون نفس برسد بنابراین ادله علمی در طول نظام دلایل معنوی (علم قاضی) قرار دارد. در حقوق ایران در استفاده از ادله علمی در قانون آیین دادرسی کیفری می‌توان به مواد ۸۳ و ۸۸ آیین دادرسی کیفری اشاره کرد. در عرصه دادرسی‌های کیفری با توجه به پیشرفت‌های شگفت‌آور علوم و فنون بشری، به‌ویژه در حیطه کشف علمی جرائم، کاربرد وسایل و امکانات علمی و آزمایشگاهی برای کشف حقیقت و جمع‌آوری ادله اثباتی به‌جای استفاده از روش‌های قدیمی متداول شده است. در نوشته‌های مربوط به ادله علمی، در کنار واژه‌های «جرم یابی» و یا «پلیس علمی»، به‌تدریج مفهوم جامع‌تری به‌نام «علوم تحقیقات قضایی» یا «علوم معین» و در معنای مرسوم‌تر «علوم قانونی» بیان شده است؛ دانشی که شامل طیف وسیعی از رشته‌های علمی است که هر یک اصول و رویه‌های خاص خود را داشته و در گسترده‌ترین معنا عبارت است از: کاربرد روش‌های مربوط به علم در مورد همه مباحث قضایی (بل و سوزان، ۱۳۸۹)؛ به بیان دیگر، هر اصل یا شگرد علمی که بتوان از آن برای شناسایی، بازیابی، بازسازی یا تجزیه‌وتحلیل دلایل در تحقیقات کیفری استفاده کرد، بخشی از علوم قانونی است که برخی از این رشته‌ها، آزمایشگاه محورند (مانند تجزیه‌وتحلیل‌های

1. Scientific Evidences

دیان ای و سم‌شناسی) و برخی مبتنی بر تفسیر کارشناسانه نمونه‌های تحت مشاهده هستند (مانند اثر انگشت و سایر آثار). از منظری دیگر، پاره‌ای از فعالیت‌ها در این خصوص نیازمند مهارت‌ها و کارشناسی‌های تحلیلی از سوی افراد آموزش دیده به‌عنوان دانشمند یا عالم آن رشته (مانند شیمی‌دان یا زیست‌شناس) است و پاره‌ای دیگر از این دست فعالیت‌ها به‌وسیله دانشمندان و نیز افراد آموزش دیده در زمینهٔ اجرای قانون (مانند کارآگاهان صحنه جرم، تحلیلگران خون‌های ریخته شده، متخصصان بازسازی جرم) و افراد متخصص در پزشکی (مانند آسیب شناسان قانونی) یا روش‌های آزمایشگاهی در این میان، «اصل تبادل لو کارد»[1] [اصل تبادل اطلاعات]، یکی از اصول زیربنایی علوم قانونی است که در بازسازی صحنه‌های جرم و مرتبط کردن مجرم با جرم بسیار سودمند است. بر پایه این اصل، هر شخص یا شیئی که وارد صحنه جرم می‌شود، چیزهایی را از آن صحنه به خود می‌گیرد و هنگامی که آن جا را ترک می‌کند، چیزهایی را از خود برجای می‌گذارد (کیسی و اوئن، ۱۳۸۶).

۲-۲. مبانی اصل آزادی تحصیل و ارزیابی دلیل

در اصطلاح حقوقی، مبنا عبارت است از اصل یا قاعده‌ای کلی که نظام حقوقی مبتنی بر آن باشد و قواعد و مقررات حقوقی براساس آن وضع شود. در تعریفی جامع‌تر می‌توان مبنا را دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و بنیان‌های نظری دانست که در جهت اثبات وجود، لزوم یا صحت یک پدیده ارائه می‌شوند. درواقع آنچه از بررسی مبانی اصل آزادی تحصیل و ارزیابی دلیل مدنظر است، شناخت ریشه‌ها و بنیان‌هایی است که اصول مذکور از آنجا نشئت گرفته‌اند. آن‌چنان‌که گذشت، اصل آزادی تحصیل و پذیرش دلیل متضمن آزادی طرفین پرونده کیفری در توسل به انواع دلایل و آزادی دادرسان در تحصیل و پذیرش دلایل است. تعمق در معنا و مفهوم این اصل، مبانی آن را آشکار می‌سازد. به نظر می‌رسد، مهم‌ترین مبنایی را که برای این اصل بنیادین حقوق دلایل وجود دارد، می‌توان مصلحت عمومی و نیز اجرای عدالت دانست.

1. Locard’s Changes Principle

۲-۳. مصلحت عمومی

به نظر می‌رسد اعمال اصل آزادی تحصیل و پذیرش دلایل در امور کیفری به‌نحوی در جهت ترجیح مصلحت عمومی بر منافع فردی اشخاص جامعه است. درواقع رویکرد مصلحت عمومی به‌طور عمده به عناصر اجتماعی موجود در انسان‌ها نظر می‌کند و تلاش دارد که منافع آنان را در پرتو ملاک‌هایی تفسیر کند که راهنمای هر فرد عاقل و باوجدانی است که می‌داند در این دنیا تنها زندگی نمی‌کند و باید رفتارش را با منافع دیگران و خیر همگانی تطبیق دهد (راسخ، ۱۳۸۱). مصلحت عمومی و منافع جامعه وابسته به کشف جرائم و شناخت مرتکبان واقعی جرم و محکوم کردن آن‌ها است و وصول به چنین اهدافی نیازمند وجود و اجرای اصل آزادی تحصیل و پذیرش دلایل جهت تسهیل اجرای واکنش اجتماعی علیه بزهکاری در جامعه است. درواقع طبیعت امور کیفری اجرای اصل آزادی تحصیل دلیل را می‌طلبد. برخلاف امور حقوقی که به سبب طبع و ماهیت آن، طرفین می‌توانند به‌راحتی پیش از ایجاد هرگونه اختلافی در روابط خود، نسبت به تحصیل دلیل اقدام کنند، در امور کیفری با یک عمل غیرقانونی و مجرمانه مواجه هستیم که نظم عمومی جامعه را به هم زده است؛ بنابراین، در ارتباط با این‌گونه اعمال، تصور این نکته که طرفین بتواند از قبل احتیاطات لازم را به‌منظور تحصیل دلیل به‌عمل آورند، چندان منطقی به نظر نمی‌رسد (ولوجردی، ۱۳۷۱-۱۳۷۲).

۲-۴. اجرای عدالت

یکی دیگر از مبانی اصل آزادی تحصیل دلیل، عدالت است. عدالت در لغت به معنای دادگری کردن و استقامت است،[۱] یعنی مستقیم در مسیر حق ماندن و به سمت جور میل نکردن یا به معنای مساوات است.[۲] در فقه عدالت به معنی حالتی نفسانی و ماندگار در انسان است که او را از انجام گناهان کبیره و اصرار بر گناهان صغیر دور داشته و به انجام دادن واجبات وامی‌دارد

۱..دهخدا، ۱۳۴۸، ذیل واژه عدالت.

۲. و قبل العداله به معنی الاستواء و الاستقامه کما یقال هذا عدل هذا مساوله (الحدائق الناضره، ج ۱۰، ص ۲). عدالت به معنی مساوات چندین بار در قرآن آمده است، مانند آیه اول سوره انعام «الذین کفروا بربهم یعدلون»؛ کفار کسانی را عدل و مساوی خدا قرار می‌دهند.

و موجب ترک اعمال منافی مروت می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷). سیر تکامل تمدن و تاریخی سیاسی اجتماعی جوامع بشری، کرداری از گرایش و تکاپوی بشریت برای دستیابی به عدالت است. در این میان، اجرا و تحقق عدالت اجتماعی و قضایی همواره از باشکوه‌ترین ابعاد عدالت‌خواهی و شریف‌ترین آرمان‌های بشری بوده است. نگاه اجمالی به سیر تحول دادرسی نشان می‌دهد که بشریت برای نیل به چنین مقصود ارزشمندی چگونه با پذیرش رنج‌های فراوان دوره‌های تاریکی را پشت سر گذاشته و راهی به‌سوی نور و روشنایی باز کرده است. آنچه از عدالت به‌عنوان مبنایی برای اصل آزادی تحصیل دلیل مدنظر است، عدالت اجتماعی است که تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است. برخی عدالت اجتماعی را به رعایت حقوق افراد و دادن حق به حق‌داران معنی کرده‌اند و عادل را کسی می‌دانند که حق هرکس را به همان اندازه بدهد و این معنی هیچ ملازمه‌ای با مساوات ندارد (آشوری و همکاران، ۱۳۸۳). همچنین، عدالت اجتماعی را به توازن و هماهنگی و ایجاد تعادل در جامعه نیز تعریف کرده‌اند. به این ترتیب که تمام اجزای موجود در یک جامعه باید از حیث اندازه و ارتباط با یکدیگر از تعادل و توازن مناسبی برخوردار باشند؛ و نهایتاً عدالت اجتماعی را رعایت استحقاق‌ها در افاضه مزایای عادل و معنوی معنا کرده‌اند. براساس این تعریف، در صورت تساوی افراد در استحقاق، مساوات و برابری رعایت می‌شود و در صورت آمادگی هر فرد برای مراتب بالاتر، زمینه رشد و تکامل وی فراهم می‌شود. قیمت هرکس به‌اندازه چیزی است که ارائه می‌دهد و عدالت عبارت است، از سنجش حق هرکس و اعطای آنچه سزاوار است (آشوری و همکاران، ۱۳۸۳).

۳. ادله علمی در نظام ادله اثبات کیفری

نظام‌های ادله اثبات دعوای کیفری متعدد هستند؛ اما به‌رغم تعدد نظام‌های موجود، دو نظام از اهمیت بیشتری برخوردار هستند؛ ۱. نظام ادله قانونی و ۲. نظام ادله معنوی یا اقناع وجدانی قاضی.

۳-۱. جلوه‌های ادله نوین در دلایل اثبات کیفری

با توسعه همه‌جانبه و سریع علوم بشری در حیطه اثبات و کشف جرائم، امروزه وسایل و امکانات بسیاری به کمک ما آمده‌اند که برای کشف جرم و رسیدن به حقیقت و دست یافتن به مجرم اصلی نه‌تنها لازم بلکه در برخی موارد ضروری هستند. در این بخش از نوشتار مهم‌ترین ادله نوین مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابزارهای نوین که حاصل تحولات علمی و نوآوری‌های دنیای مدرن است، موجب شد تا دادرس در بسیاری از جرائم نتواند صرفاً با تکیه بر دلایل سنتی و بدون مراجعه به دلایل علمی به واقعیت مادی مطلق یا اثبات بزهکاری متهم پی ببرد.

۳-۱-۱. پزشکی قانونی

امروزه پزشکی قانونی یکی از مهم‌ترین رشته‌های علوم جنایی اثباتی است که می‌تواند در اطمینان دادرس اثرگذار باشد؛ چنان‌که دادرس رسیدگی به امری را به پزشک قانونی ارجاع و از وی درخواست رسیدگی کارشناسانه می‌کند. کارشناسی پزشک قانونی هم در مسائل مدنی و هم مسائل کیفری کاربرد دارد؛ به‌عنوان مثال در دعوای اثبات نسب که یکی از موضوعات مهم در دلایل اثبات دعوی حقوقی است، مدعی در صورت نبود دلیل محکمه‌پسند، می‌تواند از طریقِ آزمایش DNA ادعای خود را با تأیید کارشناس پزشکی قانونی به اثبات برساند یا در تشخیص علت قتل و مسائل از این قبیل، نظر پزشکی قانونی راهنمای قاضی است. همچنین آزمایش‌های پزشکی در مواردی قتل‌هایی را آشکار می‌سازد که در آغاز، مرگ طبیعی قلمداد می‌شد. نظریات کارشناسی پزشکی قانونی، همپای اقرار و شهادت در کشف واقعیت نقش مؤثری ایفا می‌کند. امروزه وقایعی که پیش از این لال و بی‌زبان بود، خود شاهد صادق ماجرا است؛ برای مثال، کشف «دی ان ای»، رازهای ناگفته جرائمی را فاش کرد که بدون آن هرگز برملا نمی‌شد و تحولی بزرگ در شناسایی مجرمان ایجاد کرد. درواقع کارشناسی نوعی مشاوره تخصصی است که قاضی برای آگاهی علمی و فنی مسئله‌ای که نزد اوست از آن بهره می‌گیرد و نوعی معاینه فنی در زمینه‌هایی است که

قاضی خود در آن تخصص ندارد؛ اما درصورتی‌که با تکیه بر توانایی‌های علمی عصر جدید باشد، ارجاع به کارشناسی و پیروی از اظهارنظر کارشناسی الزامی است. متأسفانه قانون‌گذار در ارجاع موضوعات به خبره و کارشناس از مبنای واحدی پیروی نکرده است. اگرچه روش قضایی در ارجاع به کارشناسی و صدور رأی اغلب بر طبق آن است، آن هم از باب حصول علم و اطمینان قلبی قاضی است و نه به‌عنوان دلیل مستقل. درنتیجه طبق ظاهر قانون در جرائمی همانند برخی از حدود که طرق اثبات آن در قانون تصریح شده است و بنا بر برخی آرای فقهی که علم قاضی را در اثبات این جرائم معتبر نمی‌دانند، نظر کارشناس فاقد هرگونه اعتباری است، درحالی‌که با بررسی و مطالعه پرونده‌های کیفری درباره شرب خمر و یا ثبوت زنا و دیگر موارد متوجه می‌شویم که نظر کارشناس، آن‌طور هم بی‌اعتبار نیست. همین که در اثر تعارض نظر کارشناس پزشکی قانونی و متهم، اختلاف پیش می‌آید و با توجه به نظر پزشک قانونی، متهم از اظهار نادرست پرهیز می‌کند و راه گریز را بر متهم می‌بندد، خود ارزش اثباتی نظر کارشناس را می‌رساند. گرچه نظر مخالف نیز وجود دارد که نمی‌توان گفت که نظر کارشناس به‌طور قطع و یقین درست و احتمال خطا و اشتباه در نظر کارشناس نیز هست، باید خاطرنشان کرد که این به نظر کارشناسی مختص نیست، همان‌طور که احتمال خطا در نظر کارشناس هست، احتمال صدق و کذب شهادت و اقرار نیز وجود دارد. روش محاکم ایران در امور کیفری متمایل به ارجاع به کارشناسی در امور تخصصی است. احکام شماره ۲۹۴۰ و ۲۹۴۱ مورخ ۱۳۱۹/۰۹/۱۶ ردیف ۴۳۹ اصول قضایی درباره گرفتن نظر کارشناس در موارد فنی مقرر می‌کند: «تشخیصاتی که محتاج به اعمال نظریات فنی و کارشناسی باشد، دادگاه در این موارد نمی‌تواند تشخیص خود را منشأ حکم تقصیر قرار دهد» و یا حکم شماره ۴۳۹۲ مورخ ۱۳۳۰/۱۰/۲ شعبه ۹ دیوان عالی کشور در زمینهٔ ضرورت کسب نظر متخصصان فنی که مقرر می‌کند «درصورتی‌که دیوان جنایی در مورد اتهام ضرب منتهی به زوال عقل مجنی علیه، کشف قضیه را محتاج به جلب نظر متخصصان بداند و پزشکان محل نیز روشن شدن امر را که آیا ضربات وارد شده سبب زوال عقل شده یا به سبب دیگری حادث گردیده، کسب نظر متخصصان فنی مرکز را لازم داشته باشد، دادگاه

نباید بدون جلب نظر کارشناس فنی در امری که تخصص ندارد، رسیدگی و اظهار نظر کند.» از سوی دیگر در آیین دادرسی کیفری، دلایل اثبات جرم شامل اقرار؛ شهادت شهود و علم قاضی ذکر شده است که براساس این قانون، پزشکی قانونی به‌عنوان نظریه کارشناسی است و قاضی در پذیرش آن الزامی ندارد (خواج هوند، احمدی، ۱۳۹۹).

۳-۱-۲. انگشت‌نگاری

یکی از امارات قضایی که بسیار حائز اهمیت است و درواقع توانایی اثبات جرم را در حد یقین دارد، اثر انگشت است. پیشرفت علوم، به‌ویژه علوم جنایی و پزشکی، روزبه‌روز امارات قوی‌تری را برای اثبات جرم یا بی‌گناهی فرد به جامعه عرضه می‌کند. امید است در سال‌های پیش‌رو، علوم ما تا آنجا به پیشرفت کشف جرائم بپردازد که هیچ مجرمی نتواند از جرم خود فرار کند و هیچ بی‌گناهی، مجرم شناخته نشود و عدالت محوری کامل در جامعه اجرا شود و افق‌هایی از مدینه فاضله را در عدالت و اجرای حق مشاهده کنیم. یکی از امارات قوی که امروزه در کشف جرائم به قضات کمک شایانی می‌کند، انگشت‌نگاری است. اثر انگشت، اماره قضایی قوی است خالقی، ۱۳۹۶). اثر انگشت یا انگشت‌نگاری به دست آوردن تصویر خطوط برجسته (نقوش) سرانگشتان اشخاص و به معنای وسیع کلام، علم انگشت‌نگاری برای تشخیص هویت افراد و کشف جرائم است (نجابتی، ۱۳۸۱). در خلال مطالب گوناگونی که در زمینهٔ تاریخچه انگشت‌نگاری در کتاب‌های مختلف آمده است درمجموع می‌توان نتیجه گرفت که بشر از گذشته‌های خیلی دور به خطوط برجسته‌ای که خداوند متعال در کف دست، پا و سرانگشتان او خلق کرده توجه کرده است و چنین به نظر می‌رسد که ابتدا در خلق آثار هنری از آن‌ها الهام گرفته است (دانشور فرهود، ۱۳۸۹). مشاهده نقوش حجاری شده خطوط برجسته کف دست انسان ماقبل تاریخ بر دیوار غارها، گواه این است؛ برای مثال در سال ۱۸۳۹ قبر کهنه‌ای کشف شد که روی دیوارهای سنگی آن شکل‌های انگشت ترسیم شده بود در مورد کاشف علم انگشت‌نگاری به معنای امروزی بین نویسندگان اختلاف است (ولیدی، ۱۳۹۴)؛ امروزه بسیاری از کشورهای جهان ازجمله ایران از علم انگشت‌نگاری برای

تشخیص هویت استفاده می‌کنند (شامبیاتی، ۱۳۷۳). هدف اصلی بررسی دلایل مادی، ارائه اطلاعات سودمند برای محققان جنایی در حل پرونده‌هاست. اساس تحقیقات علمی صحنه جرم اثر متقابل بین اهداف تحقیقات صحنه جرم و بررسی دلایل مادی است. ارزش یک دلیل صرفاً به این نیست که در محل جرم پیدا شده باشد. آن‌هایی که صحنه جرم را تجزیه‌وتحلیل می‌کنند، به دنبال ارزش تفسیری مدارک جرمی نیز هستند که کارآگاه از صحنه جرم کشف می‌کند. مدارک جرم زمانی ارزش بیشتری می‌یابد که ارتباط آن با صحنه جرم معلوم شود. اگر نتوانیم نقش مدرک جرم را در ارتباط با محل قرار گرفتن آن مدرک تعیین و ثبت کنیم درواقع اطلاعات و مدرک با ارزشی را از دست خواهیم داد که از بررسی محل قرار گرفتن مدرک جرم و رابطه آن به خود مدرک به دست می‌آید. درواقع پیام و مفهوم کامل هر مدرک وقتی به دست می‌آید که ارتباط آن با زمان و چیزهای دیگری معلوم شود که اطراف آن مدرک پیدا می‌شود (گاردنر، ۱۳۸۵). خلاصه این‌که اماره قضایی اثرانگشت در دعاوی حقوقی و کیفری بسیار حائز اهمیت است. اثر انگشت در کنار اسناد، مهر تأییدی بر درستی سند و حتی می‌توان گفت، سند بدون اثرانگشت بی‌اعتبار است. در امور کیفری اثر انگشت مجرم روی وسیله جرم یا هر وسیله‌ای که به مجرم مربوط است، می‌تواند مبنای صدور حکم قرار گیرد و می‌تواند برای قاضی علم یا اماره ایجاد کند و ازآنجاکه مستقیم جزء دلایل اثبات دعوا قرار نگرفته است، صحت و درستی اثرانگشت به نظر قاضی بستگی دارد و باید با دیگر اوضاع و احوال کاملاً تطبیق کند. چون اثرانگشت یک فرد به‌راحتی قابل صحنه‌سازی است، قانون‌گذار، آن را در زمره امارات قضایی آورده است. درصورتی‌که اثر انگشت یک فرد روی یک وسیله جرم باشد؛ اما دیگر اوضاع و احوال آن را رد کند به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند مبنای صدور حکم قرار گیرد. این اماره قضایی یعنی اثر انگشت باید برای قاضی سبب اقناع وجدان شود. درصورتی‌که سبب اقناع وجدان برای مقام دادرس نشود یا با دیگر امارات قضایی دیگر در تعارض باشد، مبنای صدور حکم قرار نمی‌گیرد و از درجه اعتبار ساقط می‌شود.

۳-۱-۳. ادله الکترونیکی

دلیل الکترونیکی به دلایل موجود و قابل کسب از طریق رایانه محدود نیست؛ بلکه تمام دلایل قابل کسب از دستگاه‌های الکترونیکی مانند تلفن، تلفن همراه، دورنگار، پیجر، پیام‌گیر تلفن، پیام‌های صوتی، پیام‌های الکترونیکی و ... را نیز شامل می‌شود. دلیل الکترونیکی «هرگونه داده یا نرم‌افزار یا سخت‌افزار الکترونیکی است که بتواند اطلاعات ارزشمندی را در راستای اثبات ادعا، دفاع، کشف جرم یا استدلال قضایی به دست دهد. دلایل الکترونیکی معنای خیلی عامی دارد و هرگونه وسیله الکترونیکی در بردارنده اطلاعات را اعم از تلفن همراه، نوار کاست، رایانه و غیره را در برمی‌گیرد و اعم از دلایل رایانه‌ای است. دلایل رایانه‌ای، دلایلی است که منشأ آن رایانه است؛ بدین‌معنا که رایانه وسیله خیلی خوبی برای ذخیره کردن اطلاعات است. در بسیاری از موارد بدون استفاده از دلایل الکترونیکی، موضوعات و جرائم قابل اثبات نیست. مطالب بسیاری نیز وجود دارد که تایپ شده و یا ذخیره شده است و هیچ‌گاه به‌صورت کتبی درنمی‌آید و حتی فرد مرتکب، خود از ذخیره چنین اطلاعات مهمی بی‌اطلاع است؛ به‌عنوان مثال برخی از نرم‌افزارها هنگام کار به‌صورت خودکار به ثبت وقایع اقدام و این وقایع را در قالب فایل‌هایی به‌نام فایل‌های ثبت وقایع (وقایع‌نگار) ذخیره می‌کند؛ اما کاربر از این امر آگاه نیست» (جلالی فراهانی، ۱۳۸۶).

۳-۱-۴. دوربین مدار بسته

این دوربین‌ها در کاهش تخلفات و افزایش نظارت بر زندان‌ها بسیار مؤثر هستند. همچنین علاوه بر زندان‌ها در تمام مراکز حساس همچون ادارات، بنادر، بانک‌ها، جهت نظارت و کنترل جرائم استفاده می‌شوند، چنانچه دادرس کیفری شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی جزایی تهران ویژه رسیدگی به جرائم کارکنان دولت در رابطه با جرم کلاه‌برداری از طریق سامانه‌های رایانه‌ای، تصویر متهم در دوربین‌های مداربسته را ازجمله ادله استنادی صدور حکم در نظرگرفته است (زندی، ۱۳۹۵).

۳-۱-۵. ضبط صدا و تصویر

امروزه فناوری این امکان را فراهم کرده است که هم صدا و تصویربرداری یا فیلم‌برداری را انجام می‌دهند، بسیار باکیفیت‌تر از دوربین‌های قدیمی هستند، با این وجود نرم‌افزارهایی وجود دارند که بتواند این فیلم‌ها یا عکس‌ها را ویرایش نمایند، بعضی از این نرم‌افزارها به‌صورت حرفه‌ای ویرایش می‌کنند که چشم انسان قادر به تشخیص نیست، اما اگر ویرایش به‌صورت غیرحرفه‌ای صورت بگیرد، قابلیت تشخیص وجود دارد، «برای این‌که تصاویر به‌دست‌آمده قابلیت استناد را داشته باشد، شش شرط لازم است. ۱. ابزارهای رایانه‌ای مورد استفاده باید دارای استانداردهای لازم باشد. از نیروی ماهر استفاده شده باشد؛ ۲. در مورد اطلاعات ورودی و خروجی ضوابط لازم رعایت شده باشد؛ ۳. نرم‌افزار مورد استفاده قابل اعتماد باشد؛ ۴. ابزارها به‌درستی برنامه‌ریزی شده و درست کار کند؛ ۵. تصویر مدارک اصلی که از آن فیلم یا عکس گرفته شده خود محل تردید نباشد (السان، منوچهری، ۱۳۹۷). در حقوق ایران، قانون تجارت الکترونیکی ایران مصوب ۱۳۸۸ هویت داده پیام را در هر قالبی که باشد، پذیرفته است و برای تعیین میزان اعتبار حقوقی آن شرایطی را معین کرده است؛ اما در امور کیفری در مورد سندیت این تولیدات صریحاً در قانون اشاره‌ای نشده است، اما می‌توان در مقام تحقق اماره قضایی یا علم قاضی به آن‌ها اشاره کرد.

همچنین، هرگاه اقرار در قالب فیلم ضبط شده یا زنده به عمل آمده باشد، می‌توان مطمئن بودن آن را اثبات کرد همان‌گونه که در ماده ۱۲۸۰ قانون مدنی آمده «اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است»، اقراری را که در قالب داده پیام یا سوابق الکترونیکی مطمئن به‌عمل می‌آید باید پذیرفت به همین طریق می‌توان اصالت اقرار صوتی در محکمه را اثبات کرد، در این صورت دادگاه به حکم ماده ۱۲۸۰ ق.م و ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیک ملزم است، آن را به‌عنوان اقرار مورد پذیرش قرار دهد، بنابراین هرگاه مطمئن بودن دلیل الکترونیکی توسط استفاده کننده اثبات شود می‌توان اصالت آن و درنتیجه امکان استناد به آن را به‌عنوان دلیل پذیرفت (السان، منوچهری، ۱۳۹۷)، مثلاً متهم در صوت یا فیلم اقرار به جرم می‌کند، در این صورت این اقرار در صوت یا فیلم در صورت اثبات صحت آن، گرچه می‌تواند،

به‌نوعی زمینه تحصیل علم قاضی را فراهم آورد و مستند صدور رأی علم قاضی باشد لکن می‌تواند، به‌عنوان اقرار حکمی نیز تلقی شود و مستند حکم قرار گیرد، در یکی از آرای شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور (رأی شماره-۱۰۷۴ مورخ ۱۳۷۱/۱۱/۱۲ آمده است: آن چیزی که موجب حصول علم قاضی محترم شده عمدتاً اقرار متهم در اداره آگاهی و بازپرسی است، پس در حقیقت علم حاصل از اقرار، حکم اقرار را دارد و انکار بعد از آن مسقط حد است.

۳-۱-۶. پرینت مکالمات و پیامک یا اسکرین‌شات از داده‌ها

پیام‌هایی که به‌صورت متن مبادله می‌شود و نیز اتاق‌های چت روم امکان ارتباط زنده میان افراد را فراهم می‌سازد. در چنین شرایطی باید به استناد ماده ۶ قانون تجارت الکترونیکی محتوای چت روم را حسب اوضاع و احوال به‌عنوان نوشته‌های الکترونیکی عادی یا اماره قضایی مورد توجه قرار دارد و ازآن‌جهت که ورود به این اتاق‌های چت روم نیاز به ثبت نام و ارائه مشخصات دارد. نشانی نامه الکترونیکی متهم و بررسی محتوای نامه‌های ارسالی و دریافتی وی می‌تواند دلیل، انتساب مکالمات، عکس‌ها و فیلم‌های رد و بدل شده از ناحیه وی به او باشد. پس می‌توان، گفت، محتوی پیامک یک سند الکترونیکی محسوب می‌شود و به‌عنوان دلیل در امور حقوقی مورد قبول محاکم است و بار اثباتی آن مانند دیگر اسناد ارزیابی و از مقررات خاص در این حوزه مدد گرفته می‌شود، پیامک‌هایی که مردم نوعاً به هم ارسال می‌کنند، به‌عنوان سند عادی تلقی می‌شود و اثبات برخی از جرائم با پیامک نه به‌عنوان دلیل بلکه به‌عنوان اماره قضایی می‌تواند برای حصول علم قاضی کمک کند.

۳-۱-۷. آزمایش‌های تشخیص هویت DNA

یکی از امارات قضایی که در پرتو پیشرفت ای علمی در سال‌های اخیر، افق نوینی را در کشف علمی جرائم به روی دادرسان گشوده، نتایج آزمون‌های دی. ان.ای است. روش تشخیص هویت ژنتیک، روش نوین و کارساز به‌عنوان جلوه‌ای از علوم زیست‌شناسی در حقوق مورد توجه کشورهای پیشرفته است. این روش در آیین دادرسی کیفری نقش دلیل

اثبات دعوی را ایفا می‌کند که در زمره دلایل عینی به شمار می‌رود (خالقی، ۱۳۹۶). هرچند در این اماره قضایی، قاضی خود شخصاً نمی‌تواند اثبات یا رد این اماره را بر عهده بگیرد، با کمک کارشناسان آزمایشگاه و پزشکان متخصص، نتایجی که از آزمون‌های (DNA)، در مراحل مختلف تحقیقات ارائه می‌شود، بسیار موثق است، به‌گونه‌ای که در صورت جدی قرار دادن تعارض نتایج آن با دلایل سنتی می‌توان صحت دلایل سنتی را رد کرد یا مورد تردید جدی قرار داد. به‌طور عمده (DNA)، برای اثبات مجرمیت یا عدم مجرمیت متهمان به‌کار می‌رود؛ این روش به‌سادگی امکان‌پذیر است؛ زیرا (DNA) را می‌توان از مو، بافت و هر عضو زیستی که شامل تعداد کافی سلول باشد و مقدار اندکی خون خشک، بزاق، اسپرم، قطعات بسیار ریز پوست، ریشه مو و بسیاری موارد دیگر استخراج کرد. تشخیص هویت ژنتیکی زمانی امکان‌پذیر است که متهم قبلاً در صحنه جرم حضور داشته است و سلول‌های وراثتی وی با سلول‌های به‌دست‌آمده در صحنه جرم قابل تطبیق باشد؛ در این صورت اگر هر دو یکسان باشد، مجرمیت فرد مظنون محرز خواهد شد؛ بااین‌حال زمانی که متهم در صحنه جرم نبوده یا این‌که وی در صحنه حضور داشته ولی رد بیولوژیکی از خود به‌جا نگذاشته است، نمی‌توان از روش تشخیص هویت ژنتیک استفاده کرد با توجه به سیر تحول نظام‌های دادرسی کیفری در زمینهٔ سامانه‌های حاکم بر دلایل، امروزه نظام دلایل معنوی که بر پایه اثبات جرائم از طریق اقناع وجدان بی‌آلایش علم و یقین و اطمینان و سکون نفس قاضی بنیان‌گذاری شده مورد پذیرش علمای دادرسی قرار گرفته است. در این نظام قاضی می‌تواند از تمام وسایل و دلایل شرعی که قانون مقرر کرده است، برای رسیدن به قناعت وجدانی خود سود جوید. قاضی برای ارزیابی و سنجش دلایل و شواهد پرونده و نیز تعیین اعتبار و شیوه‌های کسب و روش رسیدن به آن‌ها آزادی کامل دارد؛ بدین‌سان، تمام شواهد و قرائنی که به‌منظور اثبات صحت و یا سقم اتهام در پرونده‌ای جمع‌آوری می‌شود درصورتی‌که با قناعت وجدانی قاضی مغایر باشد، فاقد ارزش و اعتبار حقوقی است و اصطلاحاً دارای جنبه طریقت است و نه موضوعیت (نجابتی، ۱۳۸۱). در نظام دلایل معنوی، تحصیل دلایل مادی یا شواهد عینی که در پلیس علمی از طریق آثار بجا مانده در صحنه جرم از قبیل خون،

اثر انگشت، اسپرم و بزاق دهان، پوست و ... انجام می‌گیرد، ارزش بخصوصی دارد؛ زیرا این‌گونه دلایل غالباً به‌گونه‌ای موجب یقین یا علم عادی یا سکون نفس قاضی در اثبات اتهام اشخاص یا رفع اتهام از آنان می‌شود. در بسیاری از موارد، پس از جمع‌آوری دلایل مادی، اقرار متهمی که تحت تأثیر اوضاعی نامساعد یا تلقین‌های ناروا یا انگیزه‌های عاطفی در تحقیقات جنایی گرفته شده است، بی‌اعتبار تلقی می‌شود و آنگاه مجرم واقعی در رویارویی با دلایل مادی و اطمینان آور به شرح ماجرا می‌پردازد و به ارتکاب جرم اقرار می‌کند (مؤذن زادگان و عظیمی فر، ۱۳۸۳).

۳-۲. قواعد حاکم بر ادله علمی علوم قانونی

رژیم دلایل کیفری حاکم بر ادله اثبات دعوا در نظام حقوقی ایران برای اثبات جرائم موجب حدود و قصاص و دیه، تلفیقی از نظام دلایل قانونی و معنوی مبتنی بر خصوصیات و ویژگی‌های حقوق اسلام است و در اثبات جرائم مستلزم تعزیر که شامل غالب جرائم در حقوق کیفری ایران است، قابل انطباق بر نظام دلایل معنوی استبنا بر این نظام دلایل معنوی در اکثر جرائم جاری است و محوریت با دادرس و علم او است. این نظام دارای دو اثر است: اول این‌که، دادرس در جمع‌آوری و توسل به هر نوع دلیلی که قانون اعتبار و مشروعیت آن را گواهی می‌دهد، آزادی کامل داشته و دوم این‌که هیچ دلیلی فی نفسه قدرت آن را ندارد که دادرس را ملزم به پذیرش آن نماید؛ بلکه در این نظام، دادرس برای ارزیابی ادله و شواهد در پرونده و نیز تعیین اعتبار و شیوه کسب آن‌ها، آزادی کامل دارد (مؤذن‌زادگان، ۱۳۷۹). با توجه به مطالب ذکر شده، اگر چند نظریه کارشناسی در اختیار دادرس قرار بگیرد، نمی‌تواند او را مجبور به صدور رأی کند؛ زیرا نظریه کارشناسی در امور کیفری یک اماره قضایی محسوب شده و دلیل الزام‌آور برای صدور رأی توسط دادرس قلمداد نمی‌شود (صادقی، ۱۳۹۳). بدین خاطر است که گفته می‌شود، اصولاً تفاوت اماره قضایی با اماره قانونی آن است که اماره قانونی الزام‌آور است ولی تأثیر و اعتبار اماره قضایی به‌عهده دادرس است و جنبه الزامی ندارد (بهرامی، ۱۳۸۷).

پس از تعیین ارزش و جایگاه ادله علمی علوم قانونی در نظام عدالت کیفری ایران، در این بند به اصول و قواعد حاکم بر نحوه استفاده از آن‌ها می‌پردازیم. منظور از اصول در این بند، پاره‌ای از موازین و ضوابط کلی و مورد قبول در نظام دلایل اثبات است که براساس آن‌ها نحوه بهره‌مندی از دلایل علمی ساماندهی و ضابطه‌مند می‌شود. همچنین منظور از قواعد، آن دسته از شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی است که در ذیل هر اصل قرار گرفته جوانب بیشتری از آن را تبیین می‌کنند. به دیگر سخن، قواعد حاکم بر ادله علمی، بیانگر جزییات و نتایج اجرای اصل مورد نظر هستند. این اصول و قواعد عبارت‌اند از:

۳-۲-۱. قاعده منع توسل مقام قضایی به معلومات فنی-تخصصی خود

از لزوم ارجاع امر به دیگری در مواد (۱۲۸) و ۱۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ یاد شده می‌توان این قاعده را استنباط کرد که حتی اگر دادرس در امری تخصص داشته باشد، نمی‌تواند، به نظریه کارشناسی خود استناد کند؛ زیرا کارشناسی، دلیل است و جمع دلیل و حکم در یک فرد، ممکن نیست؛ بنابراین، می‌توان گفت، قاعده منع توسل دادرس به معلومات فنی تخصصی خود، بازتابی از آموزه «ممنوعیت جمع دلیل و حاکم» بوده و تضمین‌کننده بی‌طرفی دادرس است.

این قاعده را می‌توان از رویه قضایی محاکم نیز برداشت کرد؛ بدین‌گونه که اولاً اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه ۵۴۳۳/۷-۲۴/۱۱/۷۱ بیان داشته است: «انتخاب قضات به‌عنوان کارشناس، برای تعیین ارزش صحیح نیست.» ثانیاً قوه قضاییه در بخشنامه‌های متعدد، مراجع قضایی را از این امر نهی کرده است (معاونت تدوین، ۱۳۸۸)؛ بنابراین در این‌گونه موارد، ارجاع به کارشناس، با حفظ بی‌طرفی دادرس و دوری او از ظن تهمت، سازگارتر بوده و ترجیح دارد.

۳-۲-۲. قاعده امکان توسل به کارشناسان ادله علمی در تمام مراحل دادرسی

قاعده امکان توسل به کارشناسان ادله علمی در تمام مراحل دادرسی ارجاع امر به کارشناسان

ادله علمی در همه مراحل دادرسی، چه در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا و چه در مرحله رسیدگی در دادگاه، امکان‌پذیراست. این مطلب در مواد فوق‌الذکر قوانین جزایی ماهوی و شکلی تصریح شده است؛ اما در مورد این‌که آیا دعوت از اهل خبره و کارشناس توسط «ضابطان» نیز امکان‌پذیر است، قانون ساکت است. با توجه به ماده ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که انجام معاینه را به دستور بازپرس توسط ضابطان، مجاز دانسته و قاعده اذن در شیء، اذن در لوازم آن است (زراعت، ۱۳۸۳). در موارد فوری و ضروری، دعوت اهل خبره توسط ضابطان در اجرای دستور مقام قضایی نیز می‌تواند جایز باشد.

۳-۲-۳. قاعده لزوم درج نظریه کارشناسی در دادنامه

پس از ارجاع امر به کارشناس، او با بهره‌گیری از استنتاجات عقلی و سایر مدارک و شواهد در کنار تخصص و فن و تجربه خود به موضوع پی می‌برد. به‌عبارت‌دیگر، برخلاف شاهد که چیزی را «حس» می‌کند و شهادت می‌دهد، کارشناس فقط «حدس» می‌زند و نظریه می‌دهد؛ بنابراین، همان‌طور که عده‌ای بیان داشته‌اند، شاهد می‌گوید: دیدم فلان فرد، سم را در حوضچه پرورش ماهی دیگری ریخت، ولی کارشناس پس از کالبدشکافی ماهیان می‌گوید: ماهی‌ها در اثر سم مرده‌اند. با این حساب، نظر کارشناس، مستقیماً مستند حکم دادگاه نمی‌تواند قرار گیرد، ولی اگر این نظر برای بازپرس یا دادرس علم ایجاد کند، حتماً باید به‌عنوان یکی از قرائن علم آور در قرار نهایی یا رأی ذکر شود (تدین، ۱۳۸۸).

۳-۲-۴. اصل حاکمیت ضوابط ادله اثبات کیفری بر دلایل علمی

دادرس در بهره‌مندی از کارشناسی و روش‌های نوین کشف علمی جرائم، باید تمامی اصول حاکم بر سایر ادله اثبات دعوا را رعایت نماید؛ بنابراین، در کنار اصل آزادی دلیل که در آن دادرس برای اقناع وجدان خود، به هر دلیلی متوسل می‌شود، اصول مهم دیگری چون اصل «صداقت و مشروعیت» و یا «اصل ترافعی بودن بررسی دلیل» و نیز «اصل حاکمیت قاعده

وحدت دلیل» را مدنظر قرار دهد. براساس اصل حاکمیت قاعده وحدت دلیل، از مرحله شروع تحقیق تا تقدیم پرونده به مرجع قضایی، دلیل در فرایند واحد و یکپارچه‌ای قرار می‌گیرد که همه قسمت‌ها و اجزای آن با هدف اجتناب از خدشه احتمالی، ثبت می‌شود. اعضای مختلف این زنجیره که محققین، کارشناسان و مقامات قضایی هستند، باید به‌خاطر داشته باشند که در نگهداری و تجزیه‌وتحلیل دلیل، عمل آن‌ها از یکدیگر جدا نیست. دلیل در جریان فرایند یکپارچه به دست می‌آید، اما در نهایت توسط دادگاه در معنای مورد نظر تفسیر می‌شود و براساس آن رأی صادر می‌شود (فلتی، ۱۳۸۶). اهمیت توجه به چنین اصولی در ادله بیوژنتیکی، مضاعف خواهد بود؛ زیرا این ادله، هرچند به‌واسطه درجه بالای اقناع آوریشان، مورد توجه روزافزون دادرسان قرار گرفته است، ولیکن به‌دلیل ماهیت خاص خود و سایش با حریم خصوصی افراد، درجه بالای نقض حقوق و آزادی‌های فردی را هم به‌همراه داشته است. به همین علت است که در حقوق کشورهایی ازجمله فرانسه، شاهد تعیین صریح قواعد مربوط به آنان هستیم (تدین، ۱۳۸۸). تا از این میان، از تضییع حقوق انسانی متهمان و مظنونین و نقض حریم خصوصی آن‌ها به بهانه کشف جرم جلوگیری به عمل آید. لیکن در نظام عدالت کیفری ایران، مقررات روشن و نظام‌مندی در رابطه با اصول حاکم بر ادله اثبات کیفری، وجود ندارد و فقط از فحوا و عموم و اطلاق برخی از اصول قانون اساسی و بندهای قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مواردی ازجمله لزوم احترام به حریم خصوصی اشخاص می‌توان صحه گذاشت. این در حالی است که گواهی‌های کارشناسان دارای چنان اهمیتی است که بر نتیجه رسیدگی‌های قضایی تأثیر بالایی داشته و هرگونه خدشه بر صحت داده‌های آن‌ها، ممکن است موج برائت یا محکومیت بی‌گناهان شود. در پایان در رابطه با ادله علمی دو مسئله قابل بحث و بررسی بیشتراست؛ اول این‌که، در بیست سال اخیر، در رابطه با اعتبار گواهی قانونی، شک و تردیدهایی مطرح شده است. امروزه «دی. ان.ای» به یک «معیار عالی»[1] تبدیل شده و «دی. ان.ای نگاری»[2] یک معیار و ضابطه محسوب می‌شود؛ برخلاف سایر تکنیک‌های خاص قانونی که مورد قضاوت قرار

1. Gold Standard
2. DNA Typing

می‌گیرند. با این توضیح که درحالی‌که اعتبار گواهی «دیان ای» به‌عنوان یک پیشرفت چشمگیر به اثبات رسیده است، یک نتیجه غیرمنتظره از تحلیل‌های علمی جدید، تردیدهایی را در برخی از انواع سنتی ادله علمی که دادرسان محاکم آن‌ها را برای مدت طولانی به‌عنوان یک دلیل قابل اعتماد و دارای مقبولیت عمومی به‌کار می‌گرفتند، ایجاد کرده است (شلتون و همکاران، ۲۰۱۰).

۳-۳. محدودیت‌های قانونی

قانون برای استفاده از ادله علمی محدودیت‌هایی را برشمرده است و این محدودیت‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول: در قوانین برخی از کشورها مقنن، محدودیت‌هایی را بر اصل «تحصیل آزادانه دلیل» وارد کرده و اثبات جرم خاص را فقط به‌وسیله دلایل خاص مجاز دانسته است.

گروه دوم: محدودیت‌های گروه دوم شامل مواردی است که مقنن یا رویه قضایی، علی‌رغم پذیرش اصل آزادی تحصیل دلیل، فقط برخی از ادله را معتبر دانسته است (آشوری، ۱۳۸۹). به‌عنوان مثال برای گروه اول می‌توان به اتهامات: لواط، مساحقه و زنا اشاره کرد که طبق ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی با شهادت چهار مرد اثبات می‌شود. برای گروه دوم نیز می‌توان از «اوردالی»، «دوئل» و «هیپنوتیزم» نام برد که در گذشته از اهمیت زیادی برخوردار بوده‌اند؛ اما امروزه به‌دلیل عدم قطعیت علمی فاقد ارزش قضایی هستند.

موضوع ادله اثبات دعوا در زمره مباحث حقوق کیفری شکلی یا آیین دادرسی کیفری است. قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مواد ۱۶۰ الی ۲۱۳ (کتاب اول بخش پنجم) را به ادله اثبات دعوی در امور کیفری اختصاص داده است.

در ماده ۱۶۰ این قانون به بیان ادله اثبات دعوی در امور کیفری یعنی اقرار، شهادت، قسامه و سوگند و علم قاضی پرداخته است.

در ماده ۱۶۱ این قانون قانون‌گذار صراحتاً علم قاضی را از سایر ادله مهم‌تر دانسته به عبارتی دیگر درصورتی‌که سایر ادله با آن در تعارض باشند از درجه اعتبار ساقط خواهند

شد.

درواقع در نظام حقوقی ایران ادله اثبات دعوی اصولاً طریقیت داشته و اعتبار دلایلی نظیر گزارش ظابطان دادگستری، نظریه کارشناس، اظهارات مطلع، تحقیق و معاینه محلی و ... در گرو حصول علم قاضی هستند، بنابراین ملاحظه می‌شود، در رویه قضایی نیز ادله اثبات دعوی به معنای واقعی شامل همان موارد مصرح در ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی است و سایر موارد مانند وسایل الکترونیکی مثل دوربین مداربسته و دستگاه‌های ضبط صوت و علوم پزشکی مانند DNA و ... که ما در این پژوهش از ادله نوین از آن‌ها یاد کردیم به‌عنوان قرائن و درصورتی‌که در کنار سایر قرائن و امارت می‌توانند مبنای علم قاضی به‌عنوان دلیل باشند.

در ماده ۱۷۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار بیان داشته هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرمی نماید، نوبت به سایر ادله نمی‌رسد؛ اما در ادامه بیان داشته هرگاه قرائن و اماراتی دال برخلاف مفاد اقرار باشد، مقام قضایی به اقرار متهم توجهی نکرده و مطابق با قرائن و امارات به موضوع رسیدگی و حکم صادر می‌کند.

در ماده ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی، نیز قانون‌گذار به بیان یکی دیگر از ادله اصلی اثبات جرم یعنی شهادت شهود پرداخته و همچون ماده ۱۷۱ قانون مجازات اسلامی که اعتبار اقرار را منوط به این دانسته که قرائن و اماراتی برخلاف اقرا نباشد اعتبار شهادت شهود که یکی دیگر از ادله شرعی اثبات جرم است را نیز منوط به آن دانسته که قرائن و اماراتی برخلاف آن نباشد؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که هرچند ادله اصلی اثبات جرم شامل مواردی است که قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین داخلی از آن‌ها یاد کرده و سایر موارد مانند گزارش ضابطین قضایی و نظریه کارشناس و تحقیق محلی، دوربین‌های مداربسته به‌طورکلی علوم روز دنیا مانند DNA و ... شاید نتوان به‌تنهایی به‌عنوان ادله مستند حکم قاضی قرار گیرند؛ اما به‌عنوان امارات و قرائن در اثبات امور بسیار مؤثر هستند، به‌خصوص هنگامی که باعث علم قاضی که یکی از ادله اثبات دعوی هستند شود.

البته مطابق ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی، هرگاه مستند حکم علم قاضی باشد وی موظف هست قرائن و امارات بین مستند علم خود را به‌طور صریح در حکم قید کند؛ و در

تبصره این ماده به‌صورت تمثیلی به بیان انواع قرائن و امارات که نوعاً علم آور هستند پرداخته ملاحظه می‌شود، این موارد در صورتی می‌توانند، مستند علم قاضی قرار گیرند که نوعاً علم آور باشند، به‌عبارتی دیگر مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشند.

۳-۴. کارکرد ادله نوین اثبات جرم در جرائم امنیتی و نظامی

گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی موجب ظهور گونه‌های جدیدی از جرائم، به‌ویژه در حوزه‌های امنیتی، سایبری و نظامی شده است. در این شرایط، ادله سنتی اثبات جرم به‌تنهایی پاسخ‌گوی نیازهای نظام دادرسی کیفری نیست و استفاده از ادله الکترونیکی و سایر یافته‌های علمی اهمیت روزافزونی یافته است. به همین دلیل، بخش مهمی از ادله مورد استناد در پرونده‌های نوین، از داده‌های دیجیتال، مستندات الکترونیکی و اطلاعات حاصل از فناوری‌های نوین تشکیل می‌شود (هادی‌تبار و یعقوبی گلوردی، ۱۴۰۲).

در حوزه جرائم مرتبط با امنیت ملی و نیروهای مسلح، اهمیت ادله نوین دوچندان است؛ زیرا بسیاری از رفتارهای مجرمانه ازجمله نفوذ سایبری، دسترسی غیرمجاز به سامانه‌های نظامی، افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده و جاسوسی الکترونیکی، ماهیت فنی و پیچیده دارند و اثبات آن‌ها بدون بهره‌گیری از ادله دیجیتال با دشواری مواجه است. مطالعات انجام‌شده درباره جرائم فضای مجازی در نیروهای مسلح نیز نشان می‌دهد که توسعه فناوری‌های نوین، ضمن ایجاد فرصت‌ها، زمینه ارتکاب جرائم سایبری علیه ساختارهای دفاعی و نظامی را افزایش داده و ضرورت بهره‌گیری از ابزارهای علمی و فنی در فرایند کشف و اثبات جرم را آشکار ساخته است (امیرمحمدی، عبدی‌نژاد و شکربیگی، ۱۴۰۲).

از سوی دیگر، ارزش اثباتی ادله الکترونیکی در دادرسی کیفری ایران مورد پذیرش قانون‌گذار و رویه حقوقی قرار گرفته است و هرگاه این ادله بتوانند موجبات حصول علم قاضی را فراهم آورند، قابلیت استناد در فرایند دادرسی را خواهند داشت. درنتیجه، استفاده از ادله نوین در پرونده‌های امنیتی و نظامی می‌تواند ضمن افزایش دقت در کشف حقیقت،

به ارتقای کارآمدی نظام عدالت کیفری و حمایت از امنیت ملی منجر شود (دلخون اصل، گلدوزیان و کلانتری، ۱۴۰۱).

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

عدالت قضایی در هر جامعه آرمانی است که افراد جامعه، همواره در راه استفاده از روش‌هایی هستند که بتوانند به این هدف دست یابند. در یک پرونده قضایی مردمی که به‌صورت بالفعل درگیر هستند و یا مردمی که از نتایج آن تصمیمات متأثر می‌شوند، انتظار بهترین عملکرد را از نظام قضایی کشور دارند. امروزه پیشرفت فناوری در همه ابعاد زندگی انسان‌ها، رسیدگی قضایی را هم تحت تأثیر قرار داده است و در این تحول، هدف برآوردن نیاز مردم بوده است. در نظام حقوقی ایران اصولاً ادله اثبات جرم طریقیت دارند. قانون‌گذار در ماده ۱۶۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از علم قاضی سخن گفته و صراحتاً بیان داشته علم قاضی در صورت یقین‌آور بودن بر سایر ادله مقدم است و می‌تواند مبنای صدور حکم قرار گیرد که البته خود علم نیز تعاریف مختلفی دارد و بین دکترین حقوق نیز اختلاف‌نظر وجود دارد، اما بدون شک می‌توان گفت، منظور از علم، علم حصولی است، نه علم شخصی یا شهودی.

دادرس، برای رسیدن به علم باید به حدی از آگاهی برسد و اگر شک دادرس به یقین تبدیل شود، حکم محکومیت متهم را صادر می‌کند، اما اگر شک دادرس به قوت خود باقی بماند، با توجه به اساس اصل برائت، شک به نفع متهم تفسیر می‌شود. صلاحیت دادرس برای رسیدگی به پرونده به قدری اهمیت دارد که قانون‌گذار مواد بسیاری را به آن اختصاص داده است، پس از آنکه صلاحیت دادرس برای رسیدگی به پرونده و مشروعیت تحصیل ادله مشخص شد، دادرس باید شروع به ارزیابی ادله کند. ادله علمی جدید علی‌رغم ارزش و اهمیتی که در کشف و اثبات جرائم دارند، صرفاً و به‌تنهایی نمی‌توانند، مستند حکم قاضی قرار گیرند، بلکه از لحاظ ماهیت حقوقی، قرائن و اماراتی محسوب می‌شوند که عمدتاً توسط کارشناس و در قالب نظریه کارشناسی مطرح و ارائه گردیده و صرفاً می‌توانند طرق متعارفی برای حصول علم قاضی محسوب شوند.

آنچه مشخص است، این است که قانون‌گذار ادله اثبات دعوا را عنوان نکرده و محصور به عدد خاصی نکرده است؛ اما در عمل، مقدورات فرهنگ بشری در هر مقطع زمانی می‌تواند در این‌باره عددی را به‌دست بدهد.

۴-۱. پیشنهادهای پژوهش

- ✓ با این‌که پیشرفت علم و تکنولوژی مسیری در پیش دارد که انتهای آن بر هیچ‌کس مشخص نیست و درعینِ‌حال اثراتی که بر مسائل مختلف زندگی انسان‌ها گذاشته است، قابل انکار نیست که ازجمله آن اثراتی است که بر نظام قضایی که بر مبنای عدالت و احقاق حقوق افراد بنا شده، گذاشته است، ولی باید پذیرفت که این اثرات انکارناپذیر که توانسته حل اکثر پرونده‌های دادگاه‌ها را به خود اختصاص دهد، هنوز نتوانسته به‌عنوان دلایل مستقل در قانون ذکر شوند، پس ضرورت ایجاب می‌کند، نظام قضایی نسبت به این طرق بررسی جامع‌تری به‌عمل آورند.
- ✓ در راستای علم قاضی، باید به مبانی علم اشاره شود تا از جانب مراجع تجدیدنظر قابل بررسی و کنترل باشد و موجب ایجاد حالت دل‌بخواهی و خودرأیی در امر قضا نشود. چون حتی مردم در تنظیم امور حقوقی و قضایی خود، ادله اثباتی را در نظر می‌گیرند و معین نبودن امور اثباتی موجب سردرگمی شده و ایجاد دغدغه و تشویق خواهد کرد.
- ✓ به‌طورکلی جهت پیشبرد اهداف در حوزه ادله علمی، تأسیس و راه‌اندازی گرایش جرائم فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشنهاد می‌شود. چراکه باعث ایجاد کارشناسان، قضات و افراد متخصص می‌شود و تربیت نیروهای متخصص و کارآمد در دستگاه قضایی و نیروی انتظامی همراه با آموزش همگانی به عام جامعه و تشکیل دادگاه‌های الکترونیکی عرصه را بر فرصت‌طلبان سوءاستفاده‌گران فضای مجازی تنگ می‌کند و در نهایت باعث کاهش جرائم سایبری می‌شود. با این‌که پیشرفت علم و فناوری مسیری در پیش دارد که انتهای آن بر هیچ‌کس مشخص نیست و درعینِ‌حال اثراتی که بر مسائل مختلف زندگی انسان‌ها گذاشته است، قابل‌انکار نیست که ازجمله آن، اثراتی است که بر نظام

قضایی که بر مبنای عدالت و احقاق حقوق افراد بنا شده، گذاشته است؛ ولی باید پذیرفت که این اثرات انکارناپذیر که توانسته حل اکثر پرونده‌های دادگاه‌ها را به خود اختصاص دهد.

فهرست منابع

آشوری، محمد (۱۳۸۹). ***آیین دادرسی کیفری***، جلد دوم، تهران: سمت.

آشوری، محمد؛ یزدی، عبدالمجید؛ هاشمی، سید محمد؛ بشیریه، حسین (۱۳۸۳). ***حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت***. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

امیرمحمدی، محمد؛ عبدی‌نژاد، صالح؛ شکربیگی، علیرضا (۱۴۰۲). ***مطالعه آسیب‌ها و جرائم مرتبط با فضای مجازی و سیاست‌های پیشگیری از آن‌ها در نیروهای مسلح***، پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶ (۴).

انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۷۳). ***فرهنگ کامل فارسی***، چاپ اول، تهران: انتشارات زوار.

براهویی، شیدا؛ عارفیان، غلامرضا (۱۳۹۹). ***تقابل علم قاضی با سایر ادله اثبات دعوی در امور کیفری***، نشریه حقوق ملل، شماره ۳۸

بل، سوزان (۱۳۸۹). ***دانشنامه پلیس عمومی***، مترجمان: مهدی نجابتی و علی شایان، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت و معاونت تربیت و آموزش ناجا.

بنی نعمه، عیسی (۱۳۹۸). ***ادله نوین اثبات دعوی در امور کیفری***، اولین کنفرانس بین‌المللی دین، معنویت و کیفیت زندگی، مشهد.

بهرامی، بهرام (۱۳۸۷). ***بایسته‌های ادله اثبات دعاوی حقوقی و کیفری***، تهران: مؤسسه فرهنگی نگاه بین.

تدین، عباس (۱۳۸۸). ***تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری***. چاپ اول، تهران: نشر میزان.

تدین، عباس (۱۳۸۸). ***جایگاه کارشناسی و ادله بیوژنتیکی در دادرسی‌های کیفری***، مجله حقوقی دادگستری، شماره شصت و هشتم، تهران.

جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۶). ***استنادپذیری ادله الکترونیکی در امور کیفری***، مجله فقه و حقوق، سال ۴، شماره ۱۵.

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳). ***حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت***، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

جوانمرد، بهروز؛ قاضی میرسعید، سیده مریم؛ امیرابادی، فریدون (۱۳۹۸). ***ارزیابی ادله اثباتی سنتی و نوین در دادرسی کیفری سایبری***، کنفرانس ملی پدافند غیرعامل در قلمرو فضای سایبر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.

حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۹۸). ***ادله اثبات کیفری در اسلام: مبانی و موارد تفکیک از ادله اثبات مدنی***، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

خالقی، علی (۱۳۹۶). ***آیین دادرسی کیفری***، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

خواج هوند، مظاهر؛ احمدی، محمد مهدی (۱۳۹۹). ***بررسی جایگاه اماره قضایی ابزارهای نوین در حقوق کیفری ایران***، فصلنامه علمی نظارت و بازرسی ناجا، سال ۴، شماره ۵۴

دانشور فرهود، داریوش؛ کمالی، محمد شریف (۱۳۸۹). ***خطوط پوستی***، تهران: مؤسسه فرهنگی زیبا.

دلخون اصل، رامین؛ گلدوزیان، ایرج؛ کلانتری، کیومرث (۱۴۰۱). ***مطالعه تطبیقی ارزش اثباتی ادله الکترونیکی در فرایند دادرسی کیفری در نظام حقوقی ایران و فرانسه***، مطالعات حقوقی فضای مجازی، سال ۱، شماره ۴.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). ***لغت‌نامه دهخدا***، جلد هفتم، چاپ اول از دوره جدید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دیانی، عبدالرسول؛ ادیانی، سید علی (۱۴۰۰). ***ادله اثبات دعوا در امور کیفری و مدنی***، انتشارات میزان.

راسخ، محمد (۱۳۸۱). ***حق و مصلحت***، مقالاتی در فلسفه حقوق و فلسفه ارزش. چاپ اول، تهران: انتشارات طرح نو.

زراعت، عباس (۱۳۸۳). ***قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی***، چاپ اول، تهران: انتشارات نسل سوم.

زندی، محمدرضا (۱۳۹۵). ***شنود غیرمجاز و رویه قضایی جرائم رایانه‌ای***، چاپ نخست، تهران: انتشارات مجد.

السان، مصطفی؛ منوچهری، محمدرضا (۱۳۹۷) ***آیین کشف و ابراز دلیل در فضای مجازی***،

پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال نهم، شماره دوم.

شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۳). ***حقوق جزای عمومی***، جلد دوم، چاپ دهم، تهران: انتشارات ژوبین.

صادقی، ولی‌الله (۱۳۹۳). ***از ادله علمی تا علوم قانونی؛ از اصول تا قواعد (با نگاهی بر قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)***، نشریه کارآگاه، سال هفتم، شماره ۲۸.

طوسی، ابوجعفرمحمدبن حسن، ***المبسوط فی فقه الأمامیه***، جلد هشتم، المکتبه المرتضویه لاحیاء التراث الجعفریه، ۱۳۸۷.

فلتی، فرانسوا (۱۳۸۶). ***نقش کارشناسی در تحقیقات و فرایند کیفری***، ترجمه عباس تدین، مجله تعالی حقوق، تهران، شماره پانزدهم.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). ***اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی***، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.

کیسی، اوئن (۱۳۸۶). ***دلایل دیجیتالی و جرم رایانه‌ای (علم قانونی، رایانه‌ها و اینترنت)***، ترجمه امیرحسین جلالی فراهانی و علی شایان، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، مرکز مطالعات توسعه قضایی، تهران، انتشارات سلسبیل.

گاردنر، رأس ام (۱۳۸۵). ***بررسی کاربردی صحنه جرم***، ترجمه علی شادکام، تهران: کاراته.

معاونت تدوین (۱۳۸۸). تنقیح و انتشارات قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری.

مغنیه، محمدجواد، ***فقه الامام جعفر الصادق***، جزء ۵ و ۶، (۱۳۸۶). ه.. ش، قم العالمیه.

مؤذن زادگان، حسنعلی؛ عظیمی فر، بابک (۱۳۸۳). ***بیواتیک***، مجموعه مقالات، تهران: سمت.

مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۷۹). ***علم قاضی در حقوق جزای ایران***، پژوهش حقوق و سیاست، نشریه دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، شماره دوم.

نجابتی، مهدی (۱۳۸۱). ***پلیس علمی***، تهران: انتشارات سمت.

هادی‌تبار، اسماعیل؛ یعقوبی گلوردی، محمدکاظم (۱۴۰۲). ***ادله اثبات الکترونیکی در دادرسی‌های کیفری در نظام حقوقی ایران***، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، دوره ۳، شماره ۱.

ولوجردی، محمد (۱۳۷۱-۱۳۷۲). ***حجیت علم قاضی از دیدگاه حقوق اسلام و حقوق موضوعه***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.

ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۴). ***حقوق جزای عمومی***، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: سمت.

References

Shelton, Donald E. (2010). *Forensic Science Evidence and Judicial Bias in Criminal Cases*, Published in Judges' Journal, Volume 49, Number 3, the American Bar Association.